



1()

:

:

:



:

«

»

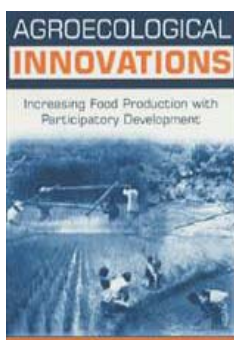
《 》

《 》

《 》

«

»



Agroecological Innovations: Increasing Food Production with Participatory Development
Edited by Norman Uphoff, London: Earthscan, 2002, 306 p.

برای برآوردن افزایش مورد انتظار در تقاضای مواد غذایی و نیز به منظور رفع نیازهای ۸۰۰ میلیون نفر در سراسر جهان که در حال حاضر دچار سوء تغذیه هستند، لازم است عرضه جهانی به طور چشمگیری افزایش یابد.

اما سرانه دسترسی به منابع طبیعی، شامل آب و اراضی قابل کشت، حتی با کاهش میزان رشد جمعیت، رو به کاهش است. علاوه بر این، روش‌های کنونی تولید کشاورزی به لحاظ بوم‌شناختی ویرانگرند، زیرا تا حد زیادی متکی بر نهاده‌های شیمیایی سمی و سوخت‌های فسیلی هستند.

برخی از فناوری‌های نوین، ممکن است از خطر مواد شیمیایی قدری بکاهند و انواع دیگری از انرژی را در اختیار ما قرار دهند. اما اکثر کشاورزان جهان به دلیل هزینه سنگین و سایر محدودیت‌ها امکان بهره‌گیری از این فرصت‌ها را نیافته‌اند. این فناوری‌ها در برخی مناطق حتی به آوارگی و فقیرتر شدن خانوارهای روستایی انجامیده است.

برای برخی این سؤال مطرح بوده است که آیا می‌بایست با تداوم بخشیدن راهبردهای موجود پژوهش و توسعه کشاورزی، به رفع نیازهای غذایی بپردازیم؟ بسیاری از متخصصان معتقدند که افزایش تولید از مسیر فناوری‌های موجود

نمی‌تواند به گونه‌ای که هم به لحاظ زیست‌محیطی قابل قبول، هم از نظر اجتماعی مطلوب، و هم از بعد اقتصادی پایدار باشد، امنیت غذایی را تضمین کند.

طرفداران رویکردهای موجود به موفقیت‌های انقلاب سبز در دو برابر کردن تولید غلات جهان در یک دوره ۳۰ ساله استناد می‌کنند. اما اکنون مشخص شده است که در دهه ۱۹۹۰ میزان رشد کشاورزی و پیشرفت فناوری کند شده است. همچنین بهتر شدن کیفیت تغذیه که هدفی مهم‌تر از تولید صرف است، تنها با افزایش تولید غلات تحقق نمی‌یابد.

منتقدین رویکردهای جایگزین بر این باورند که کشاورزی بدون نهاده‌های نوین ناگزیر تولید کمتر را به دنبال خواهد داشت که به کمبود مواد غذایی و فشار برای افزایش سطح زیر کشت منجر می‌شود. آنان به موفقیت‌های انقلاب سبز در بهره‌وری اراضی و نجات میلیون‌ها هکتار جنگل و حفظ تنوع زیستی اشاره می‌کنند. در مقابل، حامیان رویکردهای جایگزین، هزینه‌های زیست‌محیطی ناشی از کشاورزی متکی به نهاده‌های بیرونی را ذکر می‌کنند. آنان در عین حال، کمتر بودن بهره‌وری نظام‌های کشت و بوم‌شناختی را رد و موارد مهمی را ذکر می‌کنند که در آنها روش‌های جایگزین، میزان عملکرد را دو یا سه برابر کرده است.

فرض بر این نیست که «کشاورزی جایگزین» می‌تواند یا باید جای شیوه‌های کنونی «کشاورزی نوین» را بگیرد و به‌تنهایی کلیه نیازهای غذایی جهان را رفع کند. در واقع، صحبت از «کشاورزی جایگزین» گمراه‌کننده است، زیرا این مفهوم مجموعه وسیعی از عملیات و فنون را در بر می‌گیرد که برخی جدید و برخی مبتنی بر اصول و رویه‌های بسیار کهنی هستند که کمتر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

در کتاب *نوآوری‌های کشت و بوم‌شناختی* مجموعه‌ای از رویکردهای نوآورانه، موفقیت‌آمیز و متنوع توسعه کشاورزی ارائه می‌شود. این رویکردها که مبتنی بر شواهد به دست آمده از ۱۲ مطالعه موردی هستند، به استفاده از نهاده‌هایی همچون دانش، مهارت و نیروی انسانی گرایش دارند، نه سرمایه‌های زیاد و ناپایدار. در این

مطالعات نشان داده شده است که چنین رویکردهایی به افزایش چشمگیر عملکرد می‌انجامند.

نویسندگان مقالات این کتاب هم مفاهیم کلیدی و هم ابزارهای عملیاتی را برای جهت‌دهی مجدد عملیات کشاورزی به سمت رویکردهایی سازگار با محیط‌زیست و به لحاظ اجتماعی مطلوب ارائه می‌کنند؛ رویکردهایی که به مشکل امنیت غذایی، چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در ممالک در حال توسعه نظر دارند.

پرسش‌های اصلی که مقالات کتاب در پی یافتن پاسخ آنها هستند، عبارت‌اند از اینکه اولاً چه چیزی به نفع مردم (به‌خصوص فقرا، مصرف‌کنندگان شهری و نیز تولیدکنندگان روستایی) است؟ و ثانیاً چه عاملی باعث پایداری منابع طبیعی که بنیان کشاورزی و کل حیات انسان را تشکیل می‌دهند، می‌شود؟ دستیابی به تولید بیشتر مهم است، اما کافی نیست، زیرا لازم است که عملیات جایگزین به لحاظ اقتصادی برای خانوارها کارآمد و سودآور، و به لحاظ اجتماعی و تغذیه‌ای مفید باشند.

مطالعات موردی این کتاب شواهدی را از امکان افزایش تولید با استفاده از منابع و دانش محلی به دست می‌دهند که احتمالاً می‌توانند از آزمون هزینه- فایده اقتصادی سربلند بیرون آیند. میزان به‌کارگیری روش‌ها در میان کشاورزان به مثابه آزمون عملی اقتصادی بودن رویکردهای جدید در نظر گرفته شده است.

بیشتر مطالعات موردی کتاب بر قاره آفریقا تمرکز دارند، به این دلیل که برخی از نوآورانه‌ترین فعالیت‌ها در آنجا جریان دارد، و از آن مهم‌تر احتمال کمبود شدید مواد غذایی در دهه‌های آتی در این منطقه بیشتر است. چنانچه رویکردهای کشت‌وبوم‌شناختی بتوانند تولید مواد غذایی را علی‌رغم وضعیت نامساعد خاک و آب افزایش دهند، به موفقیتی دست یافته‌اند که روش‌های متعارف و نوین طی ۴۰ سال اخیر از آن محروم بوده‌اند. موارد مربوط به آمریکای لاتین و آسیا تجاربی متفاوت، اما سازگار با یافته‌های حاصل از مطالعات آفریقا در بر دارند. نویسندگان تأکید می‌کنند که در پی فناوری‌های خاص قابل‌تعمیم به دیگر کشورها نبوده‌اند، زیرا

شرایط محلی همواره مستلزم سازگار کردن فناوری‌ها هستند و اغلب راه‌حل‌های متفاوتی را طلب می‌کنند. آنان به دنبال اصول و روش‌هایی هستند که پس از جرح و تعدیل‌های مناسب، بتوان آنها را در شرایط متنوع به کار گرفت.

مقالات کتاب برگرفته از کنفرانسی هستند که در آوریل ۱۹۹۹ در ایتالیا برگزار شده است. ۲۴ پژوهشگر نگارنده این مقالات، دارای تخصص‌های گوناگون و از کشورهای مختلف هستند که حوزه فعالیت آنان را سازمان‌های غیردولتی، دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی، و سایر سازمان‌های بین‌المللی تشکیل می‌دهد. در این کتاب تجارب مختلفی بیان می‌شود، اما همه مقالات ما را در درک بهتر دو موضوع کشت و بوم‌شناسی و مشارکت یاری می‌کنند. ماهیت بین‌رشته‌ای مقالات به خوانندگان کمک می‌کنند تا به بینشی جدیدتر و فراگیرتر دست یابند.

ویرایشگر کتاب اظهار امیدواری می‌کند با انتشار کتاب‌هایی از این دست، روزه‌روز افراد بیشتری از مجامع علمی، سازمان‌های کمک‌کننده، و دستگاه‌های دولتی به این نتیجه برسند که این حوزه کندوکاوی جدی را ایجاب می‌کند، و رویکردهای «جایگزین» را از حاشیه پژوهش و توسعه کشاورزی به متن راهبردهای آتی امنیت غذایی و توسعه اقتصادی در قرن ۲۱ هدایت کنند.

«نورمن آپهوف» ویرایشگر کتاب، مدیر «مؤسسه بین‌المللی غذا، کشاورزی و توسعه کرنل» و استاد درس «دولت و کشاورزی بین‌المللی» در دانشگاه کرنل است. مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد کشاورزی پیش‌تر کتاب‌های *دلایلی برای امیدواری و دلایلی برای موفقیت* را که آپهوف از ویرایشگران آنها بوده است، ترجمه و منتشر کرده است. او علاوه بر نگارش سه مقاله برای کتاب *نوآوری‌های کشت و بوم‌شناختی*، در تألیف دو مقاله دیگر نیز همکاری داشته است. مقاله او در باره چالش‌های توسعه کشاورزی مقدمه‌ای آموزنده بر این کتاب است. مقاله میگوئل آلتیری مخاطبان را در درک بهتر مفهوم پایداری یاری می‌کند، و از این‌رو برای خوانندگان و دانشجویانی که آشنایی متوسطی با این مقوله دارند بسیار

مفید و پرمحتوا به نظر می‌رسد. جولز پرتی نیز از دیگر نویسندگان صاحب‌نامی است که در نگارش مقالات کتاب مشارکتی فعال داشته است.

یکی از نکات مثبت کتاب این است که فصل‌های مختلف آن از طریق ارجاع متقابل شواهد حاصله از مطالعات موردی به یکدیگر پیوند خورده‌اند و بدین لحاظ ابزار مفیدی برای ارزیابی توجیه‌پذیر بودن یک نکته یا مبحث خاص در اختیار خواننده قرار می‌گیرد. شناخت و بصیرتی که با مطالعه کتاب به دست می‌آید، می‌تواند هنگام تدوین سیاست‌های کشاورزی مورد نظر سیاست‌گذاران قرار گیرد.

این کتاب راهنما و منبعی ضروری برای متخصصان و سیاست‌گذاران تولید کشاورزی و مواد غذایی و نیز برای دانشگاهیان و پژوهشگران است و برخی مقالات آن برای مطالعات جانبی دانشجویان دوره‌های کارشناسی و حتی کارشناسی ارشد علاقه‌مند به مباحث کشاورزی و بوم‌شناسی مناسب به نظر می‌رسد. مطالعه این کتاب به کلیه خوانندگان علاقه‌مند به موضوع توسعه کشاورزی در کشورهای در حال توسعه پیشنهاد می‌شود.